

معرفی اسرافیل شیرچی، خوشنویس  
جوان

## پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند...

همچون امیرخانی و کابلی می‌انگارد. در زمینه نوآوری و سنت و اینکه آمیزه‌ها و تلفیق این دو چگونه باید باشد شیرچی جوان و جویای نام همان عقیده قدما و پیشکوتان را دارد و آن بدعت متکی به سنت است: «نوآوری هیچگاه بدون اتکال به سنت پایدار و مانا و پایا و پویا نیست. حتی در شعر هم می‌بینیم که نیما بر شعر کلاسیک فارسی مسلط و محیط بوده است.» نکته‌ای که در آثار شیرچی قابل توفیق و تأمل است این که او اشعاری از خاقانی تا سپهری را به عرصه خط برنشانده است. چگونه است این سیر ادیبانه فارسی از روزگاران قدیم تا اینجا و اکنون: «هنرمند باید به کارهای دیگران ارج و قرب قائل شود من می‌کوشم تا احساسم را در تابلو نشان دهم. حالیا این حس برانگیخته و نشأت یافته از سپهری باشد یا خاقانی شروانی. در قدیم هم، روال کار بدینگونه بوده است. میرعماد را بنگریم که اشعار شاعران معاصرش را بر صحیفه جان می‌نگاشته، یا درویش عبدالمجید که هم عصر محتشم کاشانی بوده و آثار او را به یادگار و از سردلتگی و عشق به محتشم، بر لوح دل می‌آورده است. البته انجمن دوست‌تر می‌دارد که ما سنت کلاسیک شعر را حفظ کنیم، اما از هر گونه بدعت و بداعت و نوآوری آگاهانه

انجمن خوشنویسان ایران، با برپائی نمایشگاهی در همان اتاق‌های کوچک و تودرتوی انجمن، گام دیگری در جهت رشد و اعتلای خوشنویسی برداشته و ما نیز به تیسرین این حرکت سازنده و مثبت، ضمن قدردانی از تلاش‌های پیگیر و مستمر انجمن و نیز، در عین تأکید و تصریح بر توجه انجمن به ارائه امکانات برای خلاقیت و بارآوری خوشنویسان جوان و پویانده، به معرفی اسرافیل شیرچی نخستین خوشنویسی که در فضای فعلی انجمن، نستعلیق و شکسته نستعلیق‌هایش را به معرض دید و داوری همگان گذارده است می‌پردازیم.

اسرافیل شیرچی متولد سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای بابل است و در آغاز بر روی پوست تجربه می‌کرده است. در سال سوم راهنمایی -۱۳۵۷- به شهر بابل می‌آید و در اینجا با نفس حق و دم گرم «مهدی فلاح» که از مدرسان انجمن خوشنویسان بوده آشنا می‌گردد. یک سالی با این هنری‌مرد طی عمر و ایام می‌کند. استاد امیرخانی نیز ماهی یک بار برای تلمیذ به بابل می‌آمده و از همین جاست که: «مهری نشسته بر دل، بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران» به سال ۱۳۶۲ از روستای خراسان محله بابل به تهران می‌آید و در کنکور دانشکده هنرهای زیبا در رشته نقاشی، پذیرفته می‌گردد و خط را به صورت میانی و اصول و آهنگ کار، شروع می‌کند. شیرچی در قلمرو تمامت «اقلام هفت‌گانه» [سته] جستجو و کنکاش داشته است. حتی، کوفی را هم مشق کرده و معتقد است برای چیره‌دستی و تجربه و پختگی باید ثلث، نسخ و کوفی را هم آرمود و بدانها بها داد. ولی چون رشته وی نقاشی است خط را بیشتر طراحی می‌کند تا از فرم و فضای آن بهره‌ها ببرد.

در سال ۱۳۶۳ به عنوان مدرس در رشته‌های شکسته و نستعلیق در انجمن خوشنویسان شروع به کار می‌کند. و این حرکت را مدیون همت و اراده و سعادت‌صدر اساتیدی



هیچ شادی نیست اندرین جهان  
بسرتر از دیدار روی دوستان  
هیچ تلخی نیست بردل تلخ‌تر  
از فسراق دوستان پره‌نر  
این ابیات هم زیباست و هم معنی دار. این‌ها یک  
رشته پیام‌های اجتماعی‌اند که باید به سمع جان شنید و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



به مخاطبان راستین آن وا گذاشت. و یا این تک مصراع از نیما: «من بر آن عاشقم که رونده است.» شعر فارسی، شعری پیامگذار و متعهد است و همواره در چالش و چرخش با گردنکشان و مدعیان ایستاده و مقاومت کرده است. شیرچی در مورد گشایش نمایشگاهش می‌گوید انجمن به فضاهای مطلوبتری نیاز دارد. اما در هر حال، برگزاری نمایشگاه من، فتح باب و گشایشی است تا در آینده گام‌های آتی برداشته شود. «این نمایشگاه با تلاش هفت ماهه شورایعالی و مدیریت انجمن برقرار شد و امید است که همچنان ادامه یابد».

و اما حرف آخر شیرچی: هنرمندان باید مطالعه کنند. و به هنرهای ظریفه ایرانی مثل صفحه‌آرایی، رنگ‌سازی کاغذ، مرکب‌سازی و حتی قلمی که با آن کار می‌کنند، غور و بررسی داشته باشند و نکته دیگر اینکه در سنت خوشنویسی، احترام به استادان امری است واجب و ضروری. و این به نظر من یک سنت شرقی است. چون وقتی من مینیاتورها را مطالعه می‌کنم، درمی‌یابم که هنرمند مکتب هرات، به خاطر احترام به استادش امضاء و قلم ندارد. این از نعمات است و احترام به استاد که همواره شفیق و رفیق و زاد راه است امری است شایسته و مسلم من به هنرجویان جوان توصیه می‌کنم که به هر وادی و منزلی که گام می‌نهند، این نکته آغشته به جان را از لوح ذهن نزدیند که حفظ حریم استاد، حق اوست و از بدیهیات.

شیرچی تاکنون در بیش از ۱۰۰ نمایشگاه شرکت جسته و از آن جمله است شرکت در نمایشگاهی در دانشکده هنرهای زیبا به سال‌های ۶۵ و ۶۴ و شرکت در برپائی نمایشی از آثارش در موزه هنرهای معاصر با بیش از ۲۵ اثر در سال ۱۳۶۷. با امید به اینکه توفیق رفیق شیرچی باشد و در آینده او همیشه در پهنه خط و خوشنویسی با سخنی چندان دلنشین و دلپذیر که بر هر دست و دل و ذوقی بنشیند، چهره کند و رخ بنماید.

